

The Conceptual Formulation of Social Deviance in the Islamic Paradigm

Mohammad Arif Mohebbi¹, Ghasem Ebrahimipour²

¹ Level 4, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding author).
Ma.mohebbi2014@gmail.com

² Associate Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational and Research
Institute, Qom, Iran. ebrahimipour@iki.ac.ir

Abstract

Concepts in the symbolic system of language are utilized closely to one another, obtaining their tangible meaning from the totality of the system. Discovering the relative meanings of words necessitates knowing the conceptual system that the linguistic system seeks to express. Social deviance has been among the focal concepts which, in different paradigms, evokes relatively different meanings and formulations. This research, with a combination of the methodology of the thematic exegesis (*Tafsīr*) of Allamah and the semantic approach of Izutsu, and with an analytical method, has endeavored to answer the question of how the concept of social deviance is formulated in the Islamic paradigm? To realize this crucial matter, the concept of social deviance has been taken into consideration as the focal concept, and its dimensions have been analyzed with reference to related key concepts. First, based on the concepts of the good/pure (*Ṭayyibah*) and the bad/impure (*Khabīthah*), the ideal types of healthy and defective societies have been analyzed, and the epistemological foundations of social pathology and the research inadequacies in this field have been revealed. Following conceptualology, the central concepts of truth/right (*Ḥaqq*), justice, and solidarity have been examined as the theoretical foundations and normative principles for recognizing social deviances in the Islamic paradigm. Then, for the purpose of ranking social deviances, the criteria and indices of their weighting have been extracted and inferred from religious sources, by referring to which the institutional arrangements of social deviances in the fivefold levels of ideological, identity-related, political, cultural, and economic deviances have been analyzed. All of these intertwined discussions reflect the manner of the formulation of the concept of social deviance in the Islamic paradigm.

Keywords: Social deviance, Truth/Right (*Ḥaqq*), Justice, Social solidarity, Political deviance, Cultural deviance, Economic deviance, Ideological deviance.

Cite this article: Arif Mohebbi, M. & Ebrahimipour, G. (2026). The Conceptual Formulation of Social Deviance in the Islamic Paradigm. *Social-Cultural Studies of Hawzah*, 10(1), p. 129-150. <https://doi.org/10.22034/scs.2026.74451.1489>

Received: 2025-09-21 ; **Revised:** 2025-12-04 ; **Accepted:** 2025-12-25 ; **Published online:** 2026-03-30

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article



صورت‌بندی مفهومی انحراف اجتماعی در انگاره اسلامی

محمدعارف محبی^۱، قاسم ابراهیمی‌پور^۲

^۱ سطح چهار، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول). Ma.mohebbi2014@gmail.com
^۲ دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران. ebrahimipour@iki.ac.ir

چکیده

مفاهیم در دستگاه نمادین زبان، نزدیک به یکدیگر استعمال شده، معنای ملموس خود را از مجموع دستگاه به دست می‌آورند. کشف معانی نسبی کلمات مستلزم دانستن دستگاه تصویری است که دستگاه زبانی درصدد بیان آن است. انحراف اجتماعی از مفاهیم کانونی بوده که در انگاره‌های متفاوت، معانی و صورت‌بندی‌های نسبتاً متفاوتی را تداعی می‌کند. این پژوهش با ترکیبی از روش‌شناسی تفسیر موضوعی علامه و رویکرد معناشناختی ایزوتسو و با روش تحلیلی، کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد که مفهوم انحراف اجتماعی در انگاره اسلامی چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ برای تحقق این مهم، مفهوم انحراف اجتماعی به‌مثابه مفهوم کانونی مدنظر قرار گرفته، و ابعاد آن با ارجاع به مفاهیم کلیدی مرتبط واکاوی شده‌اند. نخست، بر مبنای مفاهیم طیبه و خبیثه، تیب‌های ایده‌آل جامعه سالم و معیوب تحلیل و بنیادهای معرفتی آسیب‌شناسی اجتماعی و نارسایی‌های پژوهشی در این حوزه آشکار شده است. پس از مفهوم‌شناسی، مفاهیم محوری حق، عدالت و همبستگی به‌مثابه مبانی نظری و اصول معیاری تشخیص انحرافات اجتماعی در انگاره اسلامی بررسی شده‌اند. آنگاه به‌منظور رتبه‌بندی انحرافات اجتماعی، معیارها و شاخص‌های وزن‌دهی آنها از منابع دینی استخراج و استنباط گردیده‌اند که با ارجاع به آن‌ها، ترتیبات نهادی انحرافات اجتماعی در سطوح پنج‌گانه انحرافات اعتقادی، هویتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تحلیل شده است. کلیه این مباحث درهم تنیده، نحوه صورت‌بندی مفهوم انحراف اجتماعی در انگاره اسلامی را بازتاب می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: انحراف اجتماعی، حق، عدالت، همبستگی اجتماعی، انحراف سیاسی، انحراف فرهنگی، انحراف اقتصادی، انحراف اعتقادی.

استناد به این مقاله: محبی، محمدعارف؛ ابراهیمی‌پور، قاسم (۱۴۰۵). صورت‌بندی مفهومی انحراف اجتماعی در انگاره اسلامی. مطالعات فرهنگی

اجتماعی حوزه، ۱۰(۱)، ص ۱۲۹-۱۵۰. <https://doi.org/10.22034/scs.2026.74451.1489>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه نویسنده‌گان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. © ۱۴۰۵





۱. مقدمه

انحرافات اجتماعی دارای هویت فرهنگی بوده و از طریق ارجاع جامعه موجود به جامعه مطلوب معنا می‌یابد. نظریه‌های جامعه‌شناسی رایج، جامعه را با ارجاع به الگوی جامعه غربی، آسیب‌شناسی می‌کنند. مهندسی جوامع اسلامی بر مبنای این نظریه‌ها ممکن است در لایه‌های سطحی جوامع التقاطی امروز کاربرد مقطعی داشته باشند؛ اما در درازمدت فاصله جامعه موجود با جامعه مطلوب اسلامی را عمیق‌تر ساخته و در صورت موفقیت، الگوی مطلوب جامعه غربی را بر جامعه اسلامی تحمیل می‌کند و در غیر آن، انحرافات اجتماعی منجر به بحران اجتماعی خواهد شد؛ زیرا با تفاوت الگوهای جامعه مطلوب در انگاره‌های اسلامی و غربی، انحرافات اجتماعی در این انگاره‌ها نه تنها وزن‌های متفاوتی پیدا می‌کنند، بلکه برخی پدیده‌های اجتماعی در یک انگاره هنجار و در انگاره دیگر نابهنجاری دانسته می‌شوند. به‌عنوان نمونه، در انگاره مارکسیستی، مالکیت خصوصی و نهاد خانواده، منشأ انحرافات اجتماعی تلقی شده، برای حذف آنها تلاش می‌شود. در انگاره لیبرالیستی، انحرافات اجتماعی ناظر بر اصل آزادی‌های فردی تفسیر و طبقه‌بندی می‌شوند؛ اما در انگاره اسلامی که خدامحوری هسته مرکزی حیات اجتماعی به‌شمار می‌آید، انحرافات اجتماعی نیز متناسب با آن وزن‌دهی و رتبه‌بندی می‌شوند. با توجه این مسئله بنیادین در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی، به‌ویژه تحلیل انحرافات اجتماعی در جهان اسلام، این تحقیق درصدد پاسخ به این پرسش است که مفهوم انحراف اجتماعی در انگاره اسلامی چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ برای تحقق این امر، مباحث اصلی در محورهای سه‌گانه مبانی تشخیص، معیارهای وزن‌دهی و ترتیبات نهادی انحرافات اجتماعی تحلیل گردیده و صورت‌بندی نسبتاً روشنی از مفهوم انحرافات اجتماعی در انگاره اسلامی ارائه شده است.

۲. پیشینه تحقیق

تحقیقات مرتبط با این پژوهش را می‌توان به سه دسته طبقه‌بندی کرد:

غالب تحقیقات، با تئوری‌های رایج جامعه‌شناسی به بررسی انحرافات اجتماعی در جامعه اسلامی پرداخته‌اند که توجه انتقادی به رویکرد و استفاده از بعد علمی آنها، به غنامندی و اتقان مطالب این پژوهش مدد می‌رساند؛ از جمله، پژوهش‌های شیخاوندی (۱۳۷۳) «جامعه‌شناسی انحرافات»؛ ستوده (۱۳۸۵) «آسیب‌شناسی اجتماعی»، و محسنی (۱۳۸۶) «جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی». برخی تحقیقات، الگوی روش‌شناختی مناسبی را برای صورت‌بندی مفاهیم دینی ارائه می‌کنند. از جمله، ایزوتسو (۱۳۷۸) «مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید»؛ شهید صدر (۱۴۲۴ق) «المدرسه القرآنیة»؛ اوسی (۱۳۸۱) «روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»؛ سعیدی روشن (۱۳۸۸) «روش پلکانی مفهوم‌شناسی واژگان قرآن»، شریعتی و سعیدی روشن (۱۳۹۳)، «رابطه معناشناسی زبانی و تفسیر قرآن به قرآن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی».



غلامی (۱۳۹۷)، در کتاب «اسلام و آسیب‌های اجتماعی»، با ترسیم خطوط فکری اسلام و تفاوت‌های آن با دانش اجتماعی مدرن، برخی از آسیب‌های اجتماعی را متناسب با انگاره اسلامی تحلیل کرده است. صفائی (۱۳۹۲)، در کتاب «آسیب‌شناسی سیاسی جامعه دینی در نهج البلاغه» آسیب‌ها را به مردمی، حکومتی و تحمیلی از ناحیه دشمن طبقه‌بندی نموده و راهکارهای مقابله با آنها را منطبق‌سازی کرده است. حسینی جبلی (۱۴۰۳)، در کتاب «انحرافات اجتماعی از دیدگاه اسلام»، انحرافات اجتماعی را از نظر جامعه‌شناسی در نگاه اسلام تحلیل کرده و عمدتاً بر مبنای نظریه‌های نظارت اجتماعی رایج، راهکارهای مواجهه با انحرافات اجتماعی در جامعه اسلامی را مورد بررسی قرار داده است. غفاری چراتی و اکبری (۱۳۹۹) در «تبیین مفهوم انحرافات اجتماعی و جایگاه آن در میان مقولات جرم‌شناختی»، معیارهای شناسایی انحرافات را با سه رویکرد سیاسی، مذهبی و اجتماعی بررسی کرده و در نهایت با رویکرد جرم‌شناسی، عوامل انحرافات اجتماعی را تحلیل کرده‌اند. صدر (۱۳۸۳) در «قرآن و پدیده انحراف در جامعه»، ضمن بررسی نظریه‌های انحرافات اجتماعی، به بررسی عوامل انحرافات اجتماعی از منظر قرآن پرداخته است. آقاجانی (۱۳۹۷)، در «منطق طبقه‌بندی آسیب‌های اجتماعی در قرآن و روایات»، معیارهای وزن‌دهی گناهان (انحرافات) از منظر قرآن را مورد بررسی قرار داده و معیارهای قابل تأملی را از متون دینی استخراج و استنباط کرده است.

در پژوهش حاضر سعی شده است با تکیه بر اندیشه متفکرین مسلمان، انحراف اجتماعی به مثابه مفهوم کانونی در دستگاه قرآنی واکاوی شده و نشان داده شود که مبانی تشخیص انحرافات اجتماعی در انگاره اسلامی، با انگاره‌های رقیب متفاوت بوده و به تبع آن، معیارهای وزن‌دهی و ترتیبات نهادی آنها نیز متفاوت خواهند بود.

۳. چارچوب مفهومی

مفاهیم انحراف، کج‌روی، مسئله و آسیب اجتماعی در نظام معنایی اسلام به دلیل هم‌نشینی با مفاهیم مصالح و مفاسد واقعی، معانی نسبتاً متفاوتی از کاربردهای جامعه‌شناختی پیدا می‌کنند. انحراف اجتماعی مترادف با کج‌روی، رفتار ناسازگار با انتظارات جامعه یا گروه‌های اجتماعی است (کوئن، ۱۳۸۱، ص ۲۱۵). مسئله اجتماعی در رویکرد کلاسیک، امر عینی و در رویکردهای نوین، پدیده‌ای ذهنی است که اکثریت جامعه آن را اختلال بدانند. به اعتقاد میلز، مسئله اجتماعی که منشأ ساختاری دارد، تهدیدی را متوجه نظام ارزشی کرده و بیشتر اعضای جامعه به این تهدید آگاهی دارند (بعقوبی دوست، ۱۳۹۷، ص ۱۹-۱۷). برخی محققین آسیب اجتماعی را مترادف با انحراف و کج‌روی به کار برده‌اند (شیخاوندی، ۱۳۷۳، ص ۱۹-۱۸) و مفهوم آسیب‌شناسی اجتماعی را اصطلاحی برای مطالعه علمی کج‌روی می‌دانند (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۸، ص ۸). از منظر قرآن، مفهوم انحراف مرتبط با مفهوم صراط، حیات و صلاح و فساد معنا می‌یابد؛ صراط حق، مسیر هدایت‌شدگان است که به سعادت انسان ختم



می‌شود. در مقابل، مسیرهای «مغضوبین» و «ضالین»، مسیر کفار و مشرکین بوده که پیامد آن هلاکت است. روش ضالین، فاقد غایت مشخص بوده و سرگردانی از مشخصات اصلی آن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۶). بنابراین، انحراف اجتماعی یعنی عدول از صراط مستقیم و شکستن هنجارهای دینی در انگاره اسلامی، برخی انحرافات فراتر از پیامدهای اجتماعی، نظام هستی را نیز متأثر می‌سازد؛ مثلاً از گریه یتیم (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۸۸)، مدح فاجر (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۶) و پدیده طلاق (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۸۴)، عرش الهی می‌لرزد. دلالت روشن چنین گزاره‌هایی این است که انحرافات را نمی‌توان صرفاً با معیار افکار عمومی رتبه‌بندی کرد، بلکه تحلیل آن در انگاره اسلامی، مستلزم استفاده از مفاهیمی مناسب با این انگاره است. انحراف اجتماعی در انگاره اسلامی، معطوف به الگوی حیات آدمی معنا می‌یابد. حیات در قرآن به حیات‌های نباتی (حدید، ۱۷)، حیوانی (فصلت، ۳۹)، انسانی (انعام، ۱۲۲)، جاودانه (فجر، ۲۴) و حی مطلق (بقره، ۲۵۵)، اشاره دارد. کاربرد مفهوم طیفی حیات حاکی از حقیقت مجهول‌الکنهی آن است؛ اما متفکرین مسلمان، آگاهی و جنبش را از ویژگی‌های آن دانسته (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۲۱) و موجود زنده را موجودی می‌دانند که مطابق با فلسفه آفرینش خود عمل می‌کند (نجفی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۸۹). بنابراین، انسان‌ها و جوامع انسانی به میزانی که نظام آگاهی و دستگاه ارادی آنها با رسالت انسانی‌شان تناسب دارد، از حقیقت حیات برخوردارند؛ لذا، حیات انسانی را می‌توان دارای مراتب حیات حیوانی تا حیات الهی دانست و فرایند تکاملی از مُلک تا ملکوت را دربرمی‌گیرد. در نظام معنایی قرآن، حیات در دو سطح کلی طیب و خبیثه رتبه‌بندی شده است (مانده، ۱۰۰). «طیب» به معنای عاری بودن از ناپاکی و خبیث مشتمل بر خبائث زائد بر اصل خود است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۴۴). تفاوت طیب و طهارت آن است که در طهارت، جهت دوری از پلیدی لحاظ می‌شود، و نه مطلوبیت؛ ولی در طیب جهت مطلوبیت و کامل بودن ملحوظ است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱۲، ص ۴۰۰). خداوند با تفکیک پاک از ناپاک (انفال، ۳۷) دستور می‌دهد که آن دو را مخلوط نسازید (نساء، ۲؛ نور، ۲۶). بنابراین، انحطاط و تعالی، مفاهیم ناظر به نحوه حیات بوده و التقاط، مفهوم ناظر به انحراف است که متناسب با تفسیر حیات در انگاره‌های مختلف معنا می‌شود. حیات طیب و خبیثه با مفاهیم کلیدی مرتبط، میدان‌های معناشناختی ویژه‌ای را شکل می‌دهند. همانگونه که جامعه طیب، دارای حیات (نحل، ۹۷)، فرهنگ (ابراهیم، ۲۴)، نهادهای اجتماعی (اعراف، ۵۸)، معیشت (غافر، ۶۴)، ذریه (آل‌عمران، ۳۸)، محیط (سبأ، ۱۵) و مرگ طیب (نحل، ۳۲) است، جامعه خبیثه نیز دارای حیات (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۴۴)، فرهنگ (ابراهیم، ۲۶)، نهادهای اجتماعی (اعراف، ۵۸)، معیشت (مانده، ۴۲)، ذریه (نوح، ۲۷)، محیط (اعراف، ۵۸) و مرگ خبیثه (انفال، ۳۷) است. در این میان، مفهوم فرهنگ، به مثابه دستگاه معنایی جامعه، وسیع‌ترین مفهومی است که ابعاد و لایه‌های حیات اجتماعی را پوشش می‌دهد. فرهنگ دینی مبتنی بر «خداگرایی»



و فرهنگ غیردینی ریشه در غرایز انسانی و مبتنی بر «خودگرایی» دارد. مفاهیم بنیادین فرهنگ مبتنی بر این اصول، در حوزه زیست انسانی شکل می‌گیرند و تمدنی را به وجود می‌آورند که در ذهنیت جامعه حضور یافته و منشأ رفتارهای عملی می‌شود (پارسانیا، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶). در ادبیات قرآنی، صلاح و فساد دو مفهوم متضاد و کانونی هستند که حالت‌های متفاوت سلامت و بیماری جامعه را بازتاب می‌دهند. فساد در لغت به معنای تباهی است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۷۵). راغب آن را به معنای خارج شدن چیزی از حد اعتدال، چه کم و چه زیاد دانسته و معتقد است، واژه فساد در نفس، بدن و اشیائی که از استقامت و ثبات خارج شده، به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳۶). خروج از اعتدال و ثبات، همان انحراف از صراط مستقیم است که باطل بوده و بر آن فساد واقعی مترتب است (یونس، ۳۲). فساد در دستگاه مفهومی قرآن دارای مصادیق مختلف بوده و در واقع تمام انحرافات و نابهنجاری‌های دینی را شامل می‌شود که از بارزترین آن‌ها تمرد از دستورات الهی (یونس، ۹۱)، انحرافات هویتی (بقره، ۱۲-۱۱)، نقض عهد و پیمان (بقره، ۲۷)، خروج علیه امام مسلمین (مانده، ۳۳)، ظلم (اعراف، ۱۰۳)، اسراف (شعراء، ۱۵۲-۱۵۱)، کم‌فروشی (هود، ۸۵)، سرقت (یوسف، ۷۳)، فحشاء، هم‌جنس‌گرایی (عنکبوت، ۳-۲۸)، قطع صلہ رحم (محمد، ۲۲) و سحر و فریب مردم (یونس، ۸۱) است. با توجه به موارد استفاده واژه فساد و دقت در مفاهیم همنشین و متضاد با آن در آیات قرآن، می‌توان فساد اجتماعی را دارای معنای نزدیک با مفهوم انحراف اجتماعی به‌عنوان مفهوم کانونی در نظر گرفت و با محوریت آن، مسائل و آسیب‌های اجتماعی را در سطوح و ابعاد مختلف حیات اجتماعی، شناسایی، وزن‌دهی و رتبه‌بندی کرد.

۴. روش تحقیق

برای فهم معارف قرآنی، رویکردهای روش‌شناختی متعددی وجود دارند که از میان آنها تفسیر قرآن به قرآن، رویکرد موضوعی شهید صدر و دیدگاه معناشناختی ایزوتسو، به‌رغم اینکه هر کدام از آنها عمدتاً محوری از محورهای تفسیری را پوشش داده و چشم‌اندازهای متفاوتی را آشکار می‌سازد، قرابت‌های زیادی نیز داشته و به‌گونه‌ای یکدیگر را تکمیل می‌کنند که از طریق ترکیب قواعد و ابزارهای تفسیری آن‌ها، می‌توان مفهوم انحرافات اجتماعی در انگاره اسلامی را واکاوی نموده و ابعاد و مولفه‌های معنای آن را بررسی کرد. تفسیر قرآن به قرآن، عبارت از تبیین آیات فرعی به وسیله آیات محوری بوده و مراد از آیات محوری «غور آیات» هستند که هرکدام مبنای یک بنای معرفتی شمرده می‌شوند. از ابتکارات علامه شناسایی چنین آیات زیربنایی است که در پرتو آن‌ها مفاد بسیاری از آیات رو بنایی روشن می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، مقدمه، ص ۱۹). مقصود از روش موضوعی شهید صدر، بیان مفاد واژگان و آیات قرآن در موضوعی خاص، با بهره‌گیری از مجموعه آیات مرتبط با آن موضوع و براساس روش گفتگویی عقلایی و ادبیات زبان عربی است (رجبی، ۱۳۸۸، ص ۳). ایزوتسو تلاش کرد تا با استفاده از روش‌های جدید معناشناختی، ساخت «جهان‌بینی» قرآن را کشف کند. به باور او، زبان وسیله‌ای برای جهان بوده که



جامعه‌زبانی را احاطه کرده است. طبق مفروضات این روش، نظام معنایی قرآن متشکل از شبکه‌هایی از مفاهیم کلیدی است که روابط متقابل داشته و معانی‌شان متکی بر یکدیگر است و این شبکه‌ها حول مفاهیم کانونی شکل می‌گیرند (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۴-۵). این تحقیق با رویکرد ترکیبی از هم‌پوشانی‌های این رویکردها که می‌توان از آن به «روش تفسیر موضوعی معناشناسانه» نیز تعبیر کرد، سعی دارد با استناد به آیات محوری در این موضوع و استخراج مفاهیم کلیدی مرتبط با آن از آیات و دیگر متون دینی، انحراف اجتماعی در انگاره اسلامی را به‌مثابه یک میدان معناشناختی صورت‌بندی کند.

۵. باورهای بنیادین تشخیص انحرافات اجتماعی

در انگاره اسلامی، نظام احسن در عالم تکوین و تشریح بر بنیان حق، عدالت و انسجام استوار است. اختلال در هر کدام از این مبانی، انحراف تلقی می‌شود. حق، مبنا و مقصد هستی است؛ عدالت بر مبنای حق معنا یافته و به موقعیت اجزاء در ترتیبات ساختاری نظم اشاره دارد و انسجام از جریان عدالت در پیوند اندام‌وارگی نظام حاصل می‌شود.

۵-۱. باور به حق و حقیقت

حق، هم‌زمان با تصویر مسیر و مقصد، مهم‌ترین معیار برای تشخیص درستی و نادرستی اعمال فردی و کارکردهای نهادی است. معنای اصلی حق مطابقت، هماهنگی و درستی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۶)، در مقابل باطل که فاقد ثبوت بوده و در مقابل ضلال که به‌معنای انحراف از حقیقت است، به‌کار می‌رود (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۲۶۲). در کاربرد هستی‌شناسانه، حق به اموری که دارای ثبوت و وجود است، اطلاق شده و مفهوم متضاد آن باطل است که اموری وهمی را بازنمایی می‌کند. در کاربرد معرفت‌شناختی، حق در برابر کذب به باور منطبق بر حقیقت و واقعیت، معادل نظریه صدق در منطق است (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۲۰۳). از بُعد هنجارشناسانه، حق به مزایا و امتیازاتی اشاره دارد که هر فرد در مقابل تکالیف اجتماعی، از آن‌ها برخوردار می‌شود. از این حیث، مفهوم حق ارتباط نزدیکی با موضوع عدالت اجتماعی یعنی دادن حق به حق‌دار پیدا نموده و به توزیع درست حقوق، فرصت‌ها، تکالیف اجتماعی و بایدها و نبایدهای اخلاقی اشاره دارد. از آیه ۱۷ سوره رعد که حق را به آب زلال و فلز گران‌بهاء، و باطل را به حباب و کف تشبیه می‌کند، شاخص‌های حق و باطل قابل استنباط است؛ حق ریشه در مبدأ و حقیقت هستی دارد و باطل بی‌بنیاد و تابع هوس‌های انسانی است. به همین دلیل حق ثابت است و باطل در زمان‌ها و زمینه‌های مختلف، صورت‌ها و سیرت‌های متفاوت می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۶۲). حق دوام و استمرار دارد و باطل زائل شدنی است. حق همیشه مفید و باطل بی‌فایده است. به همین ترتیب گروه‌ها، مکتب‌ها و برنامه‌ها به همان اندازه که مفیدند، حق بقاء دارند، اگر باطلی مدتی سر پا می‌ماند، به‌خاطر آن مقدار حقی است که به آن آمیخته است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶،



ج ۱۰، ص ۱۷۰-۱۶۷). حقایق سازگارند و امور باطل پراکنده؛ چون هیچ حقی مزاحم حق دیگر نیست، بلکه حقایق به همدیگر سود می‌رسانند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۶۳). در انگاره اسلامی دین، صراط مستقیم به سوی حق بوده (انعام، ۱۵۳)، تمام رفتارها و پدیده‌های اجتماعی معارض با دین، گمراهی (یونس، ۳۲)، یعنی انحراف دانسته می‌شوند.

۵-۲. عدالت محوری

عدالت دارای مصادیقی مثل مساوات، انصاف، موازنه، مثل، فدیة، قسط، استقامت، اقتصاد و ضد جور بوده (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۰۱) و قدر مشترک آنها حالت تعادل است (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۸، ص ۵۵)، حالتی که ساختی موزون و متعادل را ایجاد می‌کند. عدالت در ادبیات قرآنی به معنای صراط مستقیم (نحل، ۷۶)، انصاف (انعام، ۱۵۲)، تساوی (نساء، ۱۲۹)، دادن حق به ذی حق (نساء، ۵۸)، است که همگی به قرار گرفتن هر چیزی در جایگاه خود اشاره دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۷۸)، که از آن هیأتی متوازن ساخت می‌یابد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۸). توازن به معنای وضعیت بهنجار و متعادل اساس نظام هستی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۸۳) و حیات انسانی شمرده می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۹۹). برخی آیات قرآن به‌طور مشخص، عدالت و تناسب را به عنوان معیار سلامت نظام‌های اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند. مفاهیم محوری در آیه ۱۱۵ انعام، واژه صدق و عدل هستند، مراد از «کلمه الله»، تحقق نظام تشریح اسلامی در کلیت آن بوده و تمامیت آن از جهت عدل این است که اجزای آن متناسب بوده و مشتمل بر تضاد و تناقض نباشند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۵۴). در انگاره اسلامی، عدالت مبتنی بر حق، و حق شالوده عدالت است (اعراف، ۱۸۱). ظلم، انحراف از صراط مستقیم و عدول از عدالت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۳۷) که در سطوح ظلم به خود، خدا و دیگران، شاخص‌سازی می‌شود. دستیابی به مقام خلیفه الهی (بقره، ۳۰) رعایت تقوای الهی و عدالت (مائده، ۸) و خلاف آن ظلم به نفس بوده و انحراف است. در حوزه نظام اعتقادی، تعدی از حدود الهی ظلم به خداوند (بقره، ۲۲۹) و شرک بزرگ‌ترین ظلم (لقمان، ۱۳) و بنیادی‌ترین انحراف اعتقادی است. در بُعد اجتماعی نیز هر عملی که فرایند اعطای «حق به حق‌دار» را مختل کند، انحراف اجتماعی است.

۵-۳. همبستگی اجتماعی

همبستگی اجتماعی هرچند دارای زیرساخت‌های طبیعی مبتنی بر روابط نسبی (نساء، ۱) و سببی (فرقان، ۵۴) است و گروه‌های قومی را ساخت می‌بخشد (حجرات، ۱۳)، اما عنصر بنیادین در این نوع ارتباط، عقیده توحیدی است و انسان‌ها با تمسک به جبل‌الله، دارای پیوند اعتقادی می‌شوند (آل‌عمران، ۱۰۳). پیوند اعتقادی، همبستگی اخلاقی را ساخت بخشیده و مناسبات خونی را در چارچوب مفهوم

صله‌رحم معنا می‌بخشد. همبستگی اخلاقی فراتر از ابتناء بر اصول معیاری حق و عدالت، وحدت اجتماعی را در ابعاد حقوقی، ارزشی و عاطفی نیز تمهید می‌کند. نظام حقوقی به روابط اجتماعی نظم می‌بخشد، تقوا مفهوم ارزشی بوده و به حالت نفسانی فرد و جامعه اشاره دارد. سطح دیگر، همبستگی عاطفی است. محبت تنها وسیله‌ای است که دلبستگی عاطفی ایجاد می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۴۷). با تلاقی محبت‌های متقابل، فرایند ارتباطات مستحکم‌تر می‌شود. آموزه‌هایی چون «الْحَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ لِلَّهِ فَأَحَبُّهُمْ» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۴۵) و «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل‌عمران، ۱۵۹)، به نقش محبت در انسجام اشاره دارد. البته محبت انواعی دارد که اگر مبتنی بر ایمان و عمل صالح باشد (مریم، ۹۶)، عواطف انسانی را ناب و روابط را پایدار می‌سازد. بنابراین، هر عملی که همبستگی اعتقادی، حقوقی و عاطفی جامعه اسلامی را آسیب بزند، انحراف اجتماعی دانسته می‌شود.

۶. معیارها و شاخص‌های وزن‌دهی انحرافات اجتماعی

در رویکرد جامعه‌شناسی رایج، انحراف با شاخص‌های آگاهانه و ناآگاهانه، اولیه و ثانویه، فردی و گروهی، حکومتی و غیرحکومتی، سازمان‌یافته و غیرسازماندهی شده، انحرافات توأم با خشونت، میزان به‌کارگیری خشونت، عاری بودن از خشونت و در نهایت به مثبت و منفی وزن‌دهی می‌شوند (آقاجانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۴-۱۲۱). در انگاره اسلامی معیارها و شاخص‌های وزن‌دهی انحرافات در سطوح زبانی، ارادی و اجتماعی، صورت‌بندی می‌شود.

۶-۱. معیار زبانی و شاخص‌های وزن‌دهی

صریح‌ترین تعبیر تقسیم انحرافات، مفاهیم کبیره و صغیره است (کهف، ۴۹). مصادیق گناهان کبیره در روایات، هفت، بیست و هفتاد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۶-۲۷۷)، مورد است، که به گناهان کبیره درجه اول، درجه دوم و مطلق کبائر اشاره دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۵۹). گناهان کبیره عبارتند از: شرک، یأس از رحمت الهی، ایمنی از عقوبت خداوند، عاق والدین، قتل نفس محترمه، نسبت دادن زنا به زنان مؤمنه، خوردن مال یتیم، فرار از جهاد، خوردن ربا، سحر و جادو، زنا، سوگند دروغ، دزدی کردن از غنیمت، منع زکاة واجب، گواهی دادن به ناحق، کتمان حقیقت، شرب خمر، ترک عمدی واجبات، عهدشکنی و قطع رحم (همان، ص ۲۸۷-۲۸۵). میزان شدت نهی، نشان‌دهنده شدت زشتی انحراف است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۱۲). از منظر متون دینی، کفر و نفاق، انحرافی است که حتی با استغفار پیامبر (ص) قابل بخشش نیست (توبه، ۸۰؛ منافقون، ۶). شرک ظلم عظیم (لتمان، ۱۳) و انحراف غیرقابل بخشش است (نساء، ۴۸). عاق والدین از گناهان کبیره و فرزند عاق شده، شقی است (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۲۸). گزند رساندن به دیگران (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق،



ص ۳۵)، بدخلقی (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۹۲)، شراب‌خواری (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۰۳)، غیبت (حجرات، ۱۴)، خودکشی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۵) نیز از جمله مصادیقی هستند که شدیداً نهی شده‌اند. امتی که ضعیف آن نتواند حقش را بی‌لکنت زبان، از قوی بگیرد، هرگز قابل احترام نیست (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۲). خوردن مال حرام اکل مال به باطل (نساء، ۲۹) و خوردن مال یتیم، خوردن آتش است (نساء، ۱۰)، تعبیری که فقط در مورد کتمان حق و دین‌فروشی آمده است (بقره، ۱۷۴). با تأمل در چنین تعبیراتی، می‌توان تاحدی وزن انحرافات را مشخص کرد.

۲-۶. معیار ارادی و شاخص‌های وزن‌دهی

در انگاره اسلامی، منحرفین به عالم، جاهل، مضطر و جاهل، به قاصر و مقصر طبقه‌بندی می‌شوند. منحرف عالم غیر مضطر، مسئول رفتار خود است. جاهل مقصر در قبال جهلش مسئول است و جاهل قاصر معذور دانسته می‌شود. انحرافات آگاهانه و عامدانه، سنگین‌ترین وزن را داشته (شعراء، ۲۰۸) و انحرافات جاهلانه در برخی موارد قابل بخشش شمرده می‌شوند؛ چراکه خطا، فراموشی، اکراه، عدم آگاهی، ناتوانی و ناچاری از امت مسلمان برداشته شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۵۰). دومین شاخص در این ارتباط، ارتکاب آشکار و پنهانی جرایم است؛ زیرا از گناه پنهانی فقط شخص گناهکار و از گناه آشکار، عموم مردم آسیب خواهند دید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۷۸). همچنین انحراف آشکار حاکی از بی‌پروایی به افکار عمومی و خداوند متعال است (همان، ج ۶۸، ص ۳۳۶). شاخص سوم، اشاعه فحشاء است؛ افرادی که با انگیزه اشاعه، مرتکب انحراف می‌شوند، جرمشان سنگین‌تر است؛ زیرا چنین جرایمی منجر به جرایم گروهی و سازماندهی شده و گروه‌های کج‌رو، جامعه را به سمت کج‌روی سوق می‌دهند. دوست‌داران اشاعه، به عذاب دردناک دنیوی و اخروی تهدید شده (نور، ۱۹) و موجب هلاکت جامعه شمرده می‌شوند (ذاریات، ۴۶؛ شعراء، ۱۲۱)؛ زیرا شیوع انحرافات اجتماعی، جامعه را گرفتار بحران می‌سازد.

۳-۶. معیار اجتماعی و شاخص‌های وزن‌دهی

سومین معیار، اقتدار امت اسلامی است. انحرافات اجتماعی به میزانی که هویت و اقتدار جامعه اسلامی را بیشتر تخریب می‌کنند، وزن بیشتری نیز دارند. در انگاره اسلامی، می‌توان انحرافات را با ارجاع به شاخص‌های اعتماد بر ستمگران (هود، ۱۱۳)، نفاق اجتماعی (انفال، ۴۶)، امتیاز دادن به دشمن (محمد، ۳۵)، میدان دادن به منافقین (ممتحنه، ۱-۲)، جاسوسی برای بیگانگان، مسئولیت‌گریزی و سوءاستفاده از قدرت (انفال، ۲۷)، وابستگی در تأمین کالاهای اساسی به دشمنان (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۴۸)، تشبه به دشمنان (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۳۷)، تشبه به جنس مخالف و عدم رعایت مرزهای جنسیتی در پوشش و آرایش (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۰۲) و دیگر انحرافات از قبیل جهل،



اعتیاد، فحشاء، کاهش و پیری جمعیت، اختلافات خانوادگی، قطع صلہ رحم، فقر، بیکاری، احتکار و گرانی که به هویت دینی و اقتدار جامعه آسیب می‌رساند، رتبه‌بندی کرد. در متون دینی نسبت به تعیین وزن و پیامد این انحرافات در جامعه، گروه‌های مرجع مورد توجه قرار گرفته و تأثیرگذارترین آنها علما و امرا معرفی می‌شوند، امرا حاکم بر مردم و دانشمندان، حاکم بر امرا هستند (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳)؛ زیرا علما و امرا دو گروهی هستند که اگر صالح باشند، جامعه صالح و اگر فاسد باشند، جامعه فاسد می‌شود (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰). بر این مبنا، می‌توان انحرافات را با معیار اجتماعی به ترتیب وزن به انحرافات گروهی و غیرگروهی، انحرافات گروه‌های مرجع و غیر مرجع رتبه‌بندی نمود و از بُعد نهادی به ترتیب به انحراف در نهادهای دینی، سیاسی و اجتماعی اشاره کرد.

۷. ترتیبات نهادی انحرافات اجتماعی

امام سجاد(ع) در «رساله حقوق»، نظام حقوقی را بر بنیاد تکالیف انسان در سطوح سه‌گانه ارتباط انسان با خدا، خود و دیگران صورت‌بندی می‌کند؛ و حق‌الله را مهم‌ترین تکلیف انسانی دانسته و آن را منشأ تکالیف در دو حوزه دیگر می‌داند. حوزه بعدی را ارتباط انسان با خود دانسته و به وظایفی اشاره می‌کند که انسان در قبال جسم و جاننش دارد؛ در رتبه سوم، حقوق دیگران را بیان نموده و آن را به سه بخش اصلی حقوق پیشوایان، زبردستان و خویشاوندان تقسیم می‌کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۷۲-۲۵۵). محبت و بغض دو عنصر محوری است که جهت، صورت و سیرت روابط را تعیین می‌کند. در انگاره اسلامی، روابط سالم از خاستگاه محبت برمی‌خیزد، بغض، نفرت و کینه، منشأ اصلی مناسبات آسیب‌دیده هستند. هرچند با ارجاع به مبانی تشخیص، اصول معیاری و شاخص‌های وزن‌دهی، انحرافات اجتماعی درهم تنیده هستند. اما نکته راهبردی، توجه به ترتب منطقی این سطوح است، و نه تک گزاره‌های ناظر به انحرافات؛ به این صورت که در ترتیبات نهادی، مقایسه انحرافات بنیادین، تأثیرات مبنایی هر سطح بر سطح دیگر مدنظر است. در مقایسه این سطوح نیز هرچند در ظاهر منشأ انحرافات، فرد است؛ اما در واقع نظام اعتقادی نقش تعیین‌کننده‌ای در نحوه برساخت هویت انسانی داشته و انحرافات هویتی عمدتاً متأثر از انحرافات اعتقادی هستند. بنابراین، انحرافات اعتقادی دارای بیشترین وزن می‌باشند؛ چون منجر به تخریب هویت فردی و اجتماعی می‌شوند؛ در رتبه بعد انحرافات هویتی قرار داده شده‌اند که به طور مستقیم موجب تمهید و ترویج انواع انحرافات در سطح جامعه و کارکرد نهادهای اجتماعی می‌شوند. ترتیبات نهادی انحرافات اجتماعی در سطوح و محورهای ذیل صورت‌بندی شده‌اند.

۷-۱. انحرافات اعتقادی

در انگاره اسلامی، زیرساخت حیات انسانی عقاید است و سنگین‌ترین انحرافات در این حوزه قرار دارند. نظام اعتقادی دین، بر بنیاد توحید استوار بوده و کانونی‌ترین عنصر در این نظام، عقیده توحیدی



است. از نحوه تنظیم رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود، محیط و دیگران تنظیم می‌شوند. رابطه متقابل انسان و خداوند، بر بنیاد اصول سه‌گانه ذکر، محبت و عهد استوار است؛ ذکر و خدا آگاهی، اولین گام برای ایجاد ارتباط میان انسان با خداوند است (نهج البلاغه، خطبه ۱). خدا آگاهی سنگ‌بنای خودآگاهی بوده و خودفراموشی نتیجه خدافراموشی است (حشر، ۱۹)؛ دومین عنصر در این حوزه، محبت است. انسان‌ها متناسب با محبتی که نسبت به خداوند دارند، مطیع الهی هستند. سومین مؤلفه ارتباطی، وفاداری به عهد بندگی است (اعراف، ۱۷۲). وفاداری انسان به پیمان‌هایی که با خدا بسته است، نشانه تعهد به عهد بندگی بوده و دین، عهدنامه الهی می‌باشد. هرگاه انسان مطابق با دستورات دین، با خداوند ارتباط برقرار کند، به تعهداتش وفا کرده است. انحرافات بنیادین اعتقادی در سه محور کفر، شرک و نفاق، مفهوم‌سازی می‌شوند. کفر در دستگاه زبانی قرآن، از مفاهیم کانونی و عمدتاً هم‌نشین با مفاهیمی از قبیل انکار خداوند (عنکبوت، ۴۷)، عداوت (بقره، ۹۸)، تکذیب (بروج، ۱۹) و مجادله در آیات الهی (غافر، ۴)، ناامیدی از رحمت الهی (عنکبوت، ۱)، ضلالت (نساء، ۱۶۷)، اعراض از حق (احقاف، ۳)، فسق (بقره، ۹۹)، ظلم (مائده، ۷۸)، استکبار و جرم (جاثیه، ۳۱)، اتراف (سبأ، ۳۴)، غرور (ملک، ۲۰)، پلیدی و بیماری قلبی (توبه، ۱۲۵)، خسران (عنکبوت، ۵۲) و مفاهیم دیگری به‌کار برده شده که پیوند و درهم‌تنیدگی معانی نسبی آنها چپستی، ابعاد، عوامل و پیامدهای کفر را بازتاب داده و نقش تخریبی آن در دیگر عرصه‌های ارتباطی را نیز آشکار می‌سازد. شرک و توحید به منزله بنیاد دو گونه نظام اعتقادی شمرده می‌شوند. شرک، دارای کارکرد چندگونگی و ناهمسانی بوده و توحید با یکسان‌سازی، نوعی یکپارچگی، هماهنگی و انسجام وجودی را برای انسان و جامعه انسانی به ارمغان می‌آورد. به بیان دیگر، یکی از نخستین کارکردهای توحید، یگانه ساختن الگوی ذهنی و به تبع آن الگوی اجتماعی جامعه اسلامی از طریق نفی الگوهای دیگر می‌باشد. توحید متشکل از دو جنبه سلبی و ایجابی است. جنبه سلبی توحید ناظر به نفی هر طریقی غیر از طریق حق و هر الگویی غیر از الگوی الهی است. علامه، نظم یگانه و توحیدی را ارمغان همین دعوت برمی‌شمارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۲۰). شهید مطهری نیز توحید را به معنای رسیدن فرد و جامعه به یگانگی که در گرو نفی طاغوت‌ها، تبعیض‌ها و پیروی از الگوهای غیرالهی است، معرفی می‌کند. انسان در نظام مبتنی بر شرک، هر لحظه به سوی و به جانب قطبی کشیده می‌شود، «خسی است بر دریا» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۷)؛ اما اعتقاد توحیدی از گسست و چندپارگی نظام‌های شخصیتی و اجتماعی افراد و جامعه جلوگیری می‌کند. سومین انحراف، نفاق است؛ با قطع نظر از ارتباط معنایی نزدیک مفاهیم نفاق و فسق، نفاق دارای ساخت معنایی ویژه است و برخی آن را در ردیف کفر و ایمان دانسته و افراد را به سه دسته مومن، کافر و منافق تقسیم کرده‌اند. هرچند چیزی جز یک نوع بی‌ایمانی و بی‌اعتقادی نیست (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۳۶۲-۳۶۱) و مشترکات آن از آیات قرآن نیز به روشنی قابل استفاده می‌باشد (تحريم، ۹). نفاق به‌مثابه جریان فکری و اجتماعی



نقش تخریبی جدی در جامعه اسلامی داشته و یکی از موضوعاتی است که در قرآن به تفصیل به آن پرداخته شده و در آیات ۸ تا ۱۲ سوره بقره چند ویژگی اساسی برای منافق بیان شده است؛ منافق برخلاف مؤمن و کافر از تحیر و دوگانگی شخصیتی رنج می‌برد؛ منافق برای اینکه این دوگانگی در شخصیت خود را بپوشاند، همواره مجبور است از ابزار نیرنگ، حيله، ظاهرسازی و خدعه استفاده کند. نفاق نوعی بیماری روحی و روانی است که ریشه در رشد نایافتگی عقل انسانی دارد؛ سرانجام اینکه نفاق حالت روحی و روانی است که در اثر مداومت، به خصلت و طبیعت ثانوی بدل می‌شود، به طوری که انسان آن را نه حالت بیمارگون، بلکه وضعیت طبیعی و نوعی رشدیافتگی تلقی می‌کند. در نهایت اینکه، قرآن تمام اوصاف ناپسند این تیپ شخصیتی و جریان اعتقادی و اجتماعی را تجمیع کرده و در ذیل عنوان فساد و مفسد اجتماعی بیان می‌کند.

۲-۷. انحرافات هویتی

هویت، هسته مرکزی حیات انسانی است و کلیه نظام‌های فکری معطوف به هویت‌سازی ساخت می‌یابند. هویت هرچند بر بنیاد عقاید استوار است، اما از خاستگاه انحرافات هویتی، نظام اعتقادات و دیگر ابعاد جامعه نیز تخریب می‌شوند. لذا، انحرافات هویتی دارای وزن سنگین‌تری نسبت به انحرافات هنجاری در سطح جامعه است. هویت هرچند امری اکتسابی است، اما ریشه در ماهیت انسانی داشته و حالات هویتی، محصول نوع ترکیب ویژگی‌های متعارض در وجود آدمی است. از منظر قرآن، فطرت انسانی مربوط به امور روحانی و غرایز او ناظر به گرایش‌های جسمانی است؛ لذا، انسان در عین حال که خلیفه‌الله (بقره، ۳۰)، خودآگاه (شمس، ۸)، مختار (انسان، ۳)، تکامل‌پذیر (نحل، ۴) و خیرخواه (فصلت، ۴۹) است، ناسپاس (حج، ۶۶)، مأیوس (هود، ۹)، ستمگر (ابراهیم، ۳۴)، جاهل (احزاب، ۷۲)، عجول (اسراء، ۱۱)، حریص (معاراج، ۲۲-۱۹)، تنگ‌نظر (اسراء، ۱۰۰)، طغیان‌گر (علق، ۷-۶)، خونریز (بقره، ۳۰) نیز است. در این میان، خلافت الهی مهم‌ترین ویژگی است که خودآرمانی انسان را بازتاب می‌دهد و انسان تنها موجودی است که می‌تواند به نیابت از خدا در زمین کارهای خدایی انجام دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف، ص ۱۵۱). خداگونگی انسان امری اکتسابی بوده و راه رسیدن به آن، عمل به تکالیف الهی است. از این منظر، انسان موجودی بوده که همواره در حال صبرورت و شدن است. ظرفیت‌های مثبت و بالقوه انسان از طریق نوع عملی که انجام می‌دهد، فعلیت یافته یا سرکوب می‌شوند. يك وقت خداگونه ساخته شده و می‌شود انسان راستین؛ و يك وقت دچار انحراف بنیادین شده (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۴۹۲) و خود را فراموش می‌کند. خودفراموشی بنیادی‌ترین انحراف هویتی است. خودفراموشی نتیجه خودفراموشی است (بقره، ۱۵۲). بارزترین مصداق خودفراموشی این است که انسان هویت ربطی خود را فراموش کرده و نداند که وجودش عین ربط به خداوند است (فاطر، ۱۵). بر مبنای خودفراموشی، انحرافات هویتی دیگر از قبیل از خودبیگانگی، خوداتکایی، خودباختگی و مسخ‌شدگی



پدید می‌آیند. از خودبیگانگی در مقابل خودآگاهی قرار دارد. مراد از خودآگاهی، آشنایی با مجموعه ویژگی‌های تکوینی و فرایند صفات اکتسابی است و انسان‌ها زمانی می‌توانند با هستی خود رابطه درست برقرار کند که هم از استعدادهای تکاملی خود آگاه باشد و هم از صفاتی که موجب سقوط و انحطاط او می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۶۴-۶۷). خوداتکایی منشأ اصلی خودستایی و خودنمایی بوده و از عوامل اصلی شکست در میدان‌های مبارزه محسوب می‌شود (انفال، ۴۷). خودباختگی نقطه مقابل خوداتکایی و حاکی از انفعال انسان در برابر پدیده‌های اجتماعی است. تقلید کورکورانه و پذیرش وضعیت نامطلوب اجتماعی از مصادیق برجسته آن شمرده می‌شود (نساء، ۹۷). مسخ‌شدگی پیامد حتمی انحرافات هویتی است و از منظر قرآن، داشتن زبان گویا و گوش شنوا برای بیان و شنیدن حقایق از شاخصه‌های عقل‌ورزی شمرده شده و انسان‌های محروم از این دو ویژگی، بدترین جنبندگانی گنگ و کزند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۱۲۲). آنها چون چهارپایانند و از چهارپایان نیز گمراه‌ترند (فرقان، ۴۴)، زیرا؛ چهارپایان هرگز به ضرر خود اقدام نمی‌کنند، ولی اینها ضرر خود را بر نفع خویش ترجیح می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۱۰). چنین افرادی هویت مسخ شده دارند، در صورت انسان، اما در باطن حیوانات درنده هستند که نه تنها بر دیگران، که حتی بر خود نیز ظلم می‌کنند.

۳-۷. انحرافات سیاسی

موضوع قدرت و سیاست، از مسائل مهم فلسفه سیاسی است. فارابی مدینه فاضله را به بدن سالم تشبیه می‌نماید که هر عضوی در جهت بقاء و دوام بدن، وظیفه خود را انجام می‌دهد و مدن مضاد دارای اعضای بیماری هستند که کارکرد ارگانیزم اجتماعی را مختل می‌سازد (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۳۷). آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است، جامعه برای اینکه نیروهایش فعال گردیده و در یک جهت عمل کنند، به یک نقطه‌ای احتیاج دارد که همه از آنجا الهام گرفته و اطاعت نمایند. به قلب یگانه احتیاج دارد، تا به قدرت متمرکز تبدیل شود. این قلب همان امام و ولی است که از طرف خدا در جامعه معین شده است. امت اسلامی برای اینکه زنده و موفق بماند، باید ارتباطش با این قلب و مرکز یعنی ولی، مستحکم بماند. ولایت یعنی ارتباط مستحکم آحاد امت اسلام در همه حال با آن قلب (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۵۴۳-۵۴۱). ولایت دارای ابعاد سه‌گانه حفظ پیوندهای داخلی، قطع وابستگی به قطب‌های خارجی و حفظ ارتباط با قلب ارگانیزم اجتماعی می‌باشد (همان، ص ۵۵۰). بر مبنای چنین تصویری از ولایت است که انحرافات سیاسی، اهمیت مبنایی یافته و گونه‌های حاکمیت، در پیوند با ولایت الهی و ولایت طاغوت، سنخ‌شناسی می‌شوند. ولایت الهی قلب سالم است که به پیکر جامعه حیات و طراوت داده و جامعه را در مسیر درست هدایت می‌کند و حاکمیت طاغوت مرکزیت معیوبی است که موجب انحرافات فراوان در جامعه می‌شود. در قرآن، هر ولایتی غیر از ولایت خدا به‌عنوان ولایت طاغوت معرفی شده است. هرکس تحت ولایت خدا نباشد، تحت ولایت طاغوت است. از همنشینی مفاهیم ملأ، مترف،



احبار، رهبان و طاغوت که ناظر به طبقه‌بندی اجتماعی هستند، می‌توان استنباط کرد که طاغوت آن مقام بالاتر در میان اینها است. طاغوت همان شیطان و هر عنصری است که خارج از وجود آدمی، او را به کارهای فسادآمیز، به انحطاط، پستی، زبونی، ظلم، بدی و به انحراف وامی‌دارد (همان، ص ۵۹۷-۵۹۶). هرکس شیطان را به ولایت بپذیرد، زیان بسیار آشکاری کرده و جامعه‌ای که تحت حاکمیت شیطان و طاغوت مدیریت شود، دچار گمراهی می‌گردد (نساء، ۱۱۶)، گمراهی که فاصله‌اش با هدایت مدام دور و دورتر می‌شود. بر بنیاد حاکمیت طاغوت و کارگزاران طاغوتی است که مجموعه انحرافات دیگر از قبیل نارضایتی عمومی، ناامنی و وابستگی شکل می‌گیرد. بر مبنای آیه ۵۴ سوره مائده، رابطه متقابل حکومت و مردم در محورهای سه‌گانه عمل به وظایف، ولایت‌مداری و مردم‌محوری تصویرسازی شده و محبت عنصر محوری این رابطه است. فراتر از ترک وظایف، هرگونه رفتاری که به رابطه مردم با نظام ولایی آسیب رساند، از انحرافات محوری شمرده می‌شود. نهادهای حکومتی متأثر از کارگزاران نظام بوده و نفوذ منافقین در این نهادها موجب فساد و انحرافات وسیع دانسته می‌شوند (بقره، ۲۰۵)؛ زیرا آنها از منصب سیاسی خود استفاده کرده، دست به فساد و خرابی می‌زنند، علیه مردم ستم کرده، آبادی‌ها را ویران، جان و مال مردم را تباه می‌سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۷۴). نظام اقتصادی را در چرخه‌ای از فساد، رانت‌خواری و احتکار فلج کرده و منجر به انحراف محوری یعنی فتنه در جامعه می‌شود. فتنه از مفاهیم کلیدی در حوزه انحرافات سیاسی داخلی است (انفال، ۲۵) که برترین مصداق آن شورش علیه نظام ولایی می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۶۴) و قرآن، اقدام به فساد و تباهی در قالب ایجاد رعب و وحشت و در مخاطره انداختن جان و مال انسان‌ها را جنگ با خدا می‌داند (مائده، ۳۳). تضعیف نظام ولایی منجر به نفوذ بیشتر طاغوت و وابستگی جامعه اسلامی به دشمنان الهی می‌شود (نساء، ۱۴۱) که از بزرگ‌ترین انحرافات سیاسی در حوزه روابط بین‌الملل به‌شمار آمده و منجر به طیف وسیعی از انحرافات در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی می‌شود.

۷-۴. انحرافات فرهنگی

نظام فرهنگی دارای سطوح سه‌گانه باورها، ارزش‌ها و هنجارها می‌باشد. باورها زیرساخت‌های بنیادین حیات انسانی است که نظام ارزشی و هنجاری متناسب با آن ساخت می‌یابند. اخوت ایمانی از ارزش‌های محوری در فرهنگ اسلامی است (حجرات، ۱۰). اخوت ایمانی هم جنبه توصیفی دارد و هم جنبه هنجاری؛ هم ایمان واقعی، مؤمنان را به سمت برادری سوق می‌دهد و هم به مؤمنان توصیه شده است که ارتباطاتشان بر مبنای برادری باشد. ایمان و عمل صالح منشأ جلب محبت اجتماعی است (مریم، ۹۶). ابتدای روابط اجتماعی بر اخوت دینی، مناسبات درون‌فرهنگی و برون‌فرهنگی افراد را تنظیم نموده و باعث تمایز هویتی با کسانی می‌شود که زیر چتر نظام معنایی کفر گردهم آمده‌اند. روابط درون‌گروهی مؤمنین مبتنی بر اصل رحمت است و اصل اساسی در ارتباط با کفاری که قصد نابودی آن‌ها



را دارند، شدت و غلظت می‌باشد (فتح، ۲۹). مراقبت از هویت گروهی و مقابله با هویت‌های بیگانه ارزش‌های محوری هستند که می‌توان با ارجاع به آنها انحرافات مهم فرهنگی را صورت‌بندی کرد. عنصر محوری در حوزه فرهنگ، دانایی بوده و سطحی‌نگری از انحرافات مبنایی شمرده می‌شود (اسراء، ۱۱). رسول اکرم (ص) سوء تدبیر را خطرناک‌تر از فقر برای امتش می‌داند (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۹)؛ چون وقتی مسلمانان، ژرف‌بینی را از دست داده و ظاهرین شوند، برای اسلام خطر پیدا می‌شود (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۵، ص ۱۹۱). سطحی‌نگری موجب گرفتار شدن انسان در دام دشمن می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۸). سطحی‌نگری زمانی به خطر جدی‌تر تبدیل می‌شود که جنبه اجتماعی پیدا کند. خوارج یکی از جریان‌های سطحی‌نگری بود که خسارت‌های سنگینی را بر امت اسلام تحمیل کرد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۵، ص ۱۹۱). بر بنیاد سطحی‌نگری، خرافه‌پرستی شکل می‌گیرد. از منظر قرآن، خرافه‌پرستی، به مثابه غل و زنجیرهایی تلقی می‌شوند که استعدادهای انسانی را در بند کشیده، موجب جمود، افسردگی، یأس و بدبختی در جامعه می‌شود (اعراف، ۱۵۷). خرافات طیف وسیعی از باورها و کردارها را شامل می‌شود که فاقد پشتوانه منطقی می‌باشند. خرافات، ارتباط وثیقی با انحرافات تعصب و تقلید دارد که از آنها به تحجّر و وادادگی نیز تعبیر می‌شود. این دو از انحرافات خطرناک بوده و از ویژگی‌های فرهنگ جاهلیت شمرده می‌شوند (فتح، ۲۶؛ احزاب، ۶۷). خشونت و آزار رساندن به دیگری از سنگین‌ترین انحرافات در انگاره اسلامی است. از منظر رسول اکرم (ص)، پس از شرک به خدا، عملی مبعوض‌تر از خشونت علیه بندگان نیست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۵۴) و کسی که مؤمنی را به ناحق اذیت کند، مانند این است که خانه خدا و بیت‌المعمور را ده بار ویران کرده و مانند این است که هزار فرشته مقرب را کشته باشد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۱۰۰). خشونت طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود که قتل، آزار و قطع رحم از برجسته‌ترین آنها هستند. قتل، خطرناک‌ترین و ترسناک‌ترین نوع خشونت است که تبدیل شدن آن به مسئله اجتماعی، حاکی از دچار شدن جامعه در کام بحران است. از منظر قرآن، هر کس انسان بی‌گناهی را بکشد، گویی همه انسان‌ها را کشته است (مانده، ۳۲). خشونت در سطح آزار و اذیت، دارای مصادیقی است که بدترین آن والدین آزاری می‌باشد. خدای متعال حقوق والدین را در کنار حق عبودیت و بندگی تعریف نموده و حتی از «اف گفتن» به آنها منع می‌نماید (اسراء، ۲۳). قرآن، قطع رحم را در کنار فساد از ویژگی‌های منافقین می‌داند (محمد، ۲۲). قطع رحم، شبکه خویشاوندی را مختل نموده و به همبستگی اجتماعی آسیب می‌رساند. فحشاء از دیگر انحرافات فرهنگی، محصول حالت شهوانی نفس و از مصادیق ظلم بر نفس است (آل‌عمران، ۱۳۵). مهم‌ترین انحرافات جنسی عبارتند از چشم‌چرانی (نور، ۳۱) و روابط فزانشویی (اعراف، ۸۳-۸۱). فحشاء ارتباط معناداری با مسائل جمعیت‌شناسی نیز دارد. در انگاره اسلامی، انگیزه‌های فراوانی برای تولیدمثل بیان شده است، از جمله، نیازمندی انسان‌ها به توانمندی (شعراء، ۱۳۳)، آرامش و جاویدانگی (مریم، ۷-۲)،



برکت (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۷۴) نعمت‌ها و حسنات الهی (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۶۷)، شفاعت و مغفرت الهی (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۱۲). در منابع حدیثی همزمان به اهمیت دادن به تربیت فرزند، تشویق جدی به تولید نسل نیز شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰). بر مبنای آموزه‌های اسلام؛ زن و شوهر نمی‌توانند برای لذت‌گرایی و آسایش خود از فرزندآوری شانه خالی کنند؛ لذا، اجتناب از فرزندآوری، نوعی انحراف است و وزن آن در شرایط کمبود و پیری جمعیت، سنگین‌تر می‌شود.

۷-۵. انحرافات اقتصادی

رفاه عمومی، هدف غایی نظام‌های اقتصادی (میرمعزی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲)، در خدمت تعالی انسان (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۰، ص ۴۰۳) و نه کسب بیشترین لذت و شادکامی صرف می‌باشد. در چارچوب اقتصاد اسلامی، رفاه اقتصادی فراگیر بوده و نظام اسلامی ملزم به تأمین نیازهای اقتصادی برای همگان می‌باشد (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۶۶). لذا، در چارچوب اقتصاد اسلامی، ضروری است که نیازمندی‌های مادی همگان به صورت مشروع و عادلانه تأمین شود. بر این مبنای انحرافات اقتصادی را می‌توان در محورهای ذیل صورت‌بندی کرد. دنیاگرایی از انحرافات بنیادین در حوزه اقتصاد اسلامی شمرده می‌شود؛ بر مبنای اصل محبت به مال، افراد به ذخیره‌سازی هرچه بیشتر اموال پرداخته، از انفاق و خیرخواهی امتناع می‌ورزند (توبه، ۳۴). در چنین فضایی، منزلت‌های اجتماعی با معیار ثروت مادی تعریف شده و دنیای منهای آخرت، میدان بازی‌های سودجویانه قرار می‌گیرد که از الزامات قطعی آن تجمل‌پرستی، تفاخر و تلاش برای تراکم و تکاثر ثروت است (حدید، ۲۰). نگاه تکاثری به دنیا، رقابت‌های منفی را در متن حیات اجتماعی جاری می‌سازد، غفلت از یاد خدا فراگیر شده، ثروت ملی و دارایی‌های افراد در معرض تاراج قرار می‌گیرد. جامعه دچار معیشت ضنک شده، اغنیاء بیش از دیگران در این تنگنا گرفتار می‌شوند (طه، ۱۲۴)؛ مراد از زندگی تنگ «معیشت ضنکاً» تنها فشار مالی نیست، بلکه فشاری که متمکن متحمل می‌شود، به مراتب بدتر از فشاری است که فقیر به آن مبتلا می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۵۰۱)؛ چون توسعه معیشت برای آن‌ها نه تنها مایه آرامش نیست که مدام دغدغه افزایش و حفظ ثروت خود را دارند. در چنین بستری انواع حرام‌خواری‌ها رواج می‌یابد؛ حرام‌خواری در انگاره اسلامی از انحرافات مهم است. سرقت (مانده، ۳۸) و کم‌فروشی به شدت تقبیح شده است (مطففین، ۱)؛ کم‌فروشی شامل کلیه تعهدات اجتماعی می‌شود. کم‌فروشید، یعنی هر کاری که برعهده شما است، از آن نذردید، خواه خرید و فروش باشد، خواه غیر آن (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۹۱-۹۰). کم‌فروشی موجب سلب اعتماد عمومی شده، امنیت و نظم اجتماعی را مختل می‌سازد. اسلام، احتکار و ذخیره کردن ثروت را منع کرده (توبه، ۳۴) و اجازه نمی‌دهد که ثروت ملی در دست گروهی خاص باشد (حشر، ۷). چنین تسلطی را به منزله ضبط خون در بخشی از رگ بدن تلقی



می‌کند که سبب فلج شدن سایر اعضا می‌شود؛ لذا، جریان کامل آن را برای همه طبقات لازم دانسته و از جریان ناتمام و منحنی ناقص آن منع می‌کند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ص ۵۰). انگیزه اصلی احتکار، افزایش قیمت است که دارای پیامدهای سنگین معنوی و مادی می‌باشد؛ به دیانت افراد آسیب رسانده، موجب نارضایتی خداوند می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۹، ص ۲۹۲). احتکار نقش مستقیمی در اختلال نظام اقتصادی و گرانی قیمت‌ها دارد. تورم و گرانی قیمت‌ها، اخلاق و رفتار مردم را فاسد می‌کند، امانتداری را از بین برده و انسان را در فشار و سختی قرار می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۴). در کنار مفهوم احتکار، دو مفهوم قرآنی اسراف و تبذیر قرار دارد که ولخرجی در حوزه اقتصاد را بازتاب می‌دهند. اسراف از ماده «سرف» به معنای تعدی و تجاوز از حدّ شریعت است و عکس آن اقتار می‌باشد (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۸۹۱). تبذیر از ماده «بذر» به معنای جدا کردن و ریختن بذر در جای بی‌اثر است و در اصطلاح، ضایع کردن مال می‌باشد و هر دو از انحرافات بزرگ و از مظاهر فساد به‌شمار می‌آیند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹ب، ص ۳۹۰). از منظر قرآن، مسرف اهل دوزخ (غافر، ۴۳) و مبذر برادر شیطان است (اسراء، ۲۷). انحرافات مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی، موجب جنون در مصرف شده، سبک زندگی ایمانی، امنیت اقتصادی و اجتماعی را مختل می‌کند.

۸. نتیجه‌گیری

زبان مهم‌ترین دستگاه نمادین است که ارتباطات انسانی را سامان داده و ابزار تفکر محسوب می‌شود. دستگاه زبان دارای ساختار کلی و خرده نظام‌های مرتبط با همدیگر می‌باشد که تصورات جمعی از انسان‌ها را از نظام هستی و ابعاد مختلف زیست‌جهان انسانی منعکس می‌سازد. کلمات نه تنها در یک دستگاه زبانی، از جهت اهمیت دارای وزن یکسان نبوده و منعزل از همدیگر دلالتی بر معنای مورد نظر نمی‌کند، بلکه غالباً با حفظ معنای اصلی خود دارای معنای نسبی می‌شوند که این معنا از دستگاهی به دستگاه‌های زبانی دیگر متفاوت است. لذا، واکاوی مفهوم انحرافات اجتماعی در انگاره اسلامی به منظور تصحیح، ترمیم و تعالی جامعه اسلامی، ضرورت بنیادین پیدا می‌کند. در این راستا، پژوهش حاضر با استفاده از روش اسنادی- کتابخانه‌ای و روش‌شناسی «روش تفسیر موضوعی معاشناسانه»، نخست تیب‌های ایده‌آل جامعه سالم و انحرافی را با استناد به آیات قرآن، در سطح بیان مسئله، الگوسازی و مقیاسی برای سنجش وضعیت موجود با وضعیت مطلوب، تمهید کرد. سپس با مرور پیشینه تحقیق، مبانی تشخیص، اصول معیاری و شاخص‌های وزن‌دهی و ترتیبات نهادی انحرافات اجتماعی را بررسی نموده و در نهایت تصویری نسبتاً منسجم و شفافی را از آنها در انگاره اسلامی صورت‌بندی کرده است. تیپولوژی جامعه بر مبنای دو مفهوم کانونی حیات طیبه و خبیثه و با ارجاع به موارد کاربرد و مفاهیم هم‌نشین آنها در آیات قرآن انجام شد. مهم‌ترین مفاهیم کلیدی مرتبط با حیات طیبه، صراط مستقیم، ایمان و عمل صالح هستند، در مقابل، حیات خبیثه است که هم‌نشین با مفاهیم گمراهی، بی‌ایمانی و



کج‌روی است. هرکدام از این الگوهای حیات اجتماعی، دارای مولفه‌های متناسب با خود هستند. انحراف الگویی جوامع موجود را می‌توان عمدتاً از طریق تطبیق و عرضه آنها بر الگوی جامعه طیب، شناسایی کرد. برای تشخیص انحرافات اجتماعی به صورت موردی اصول مبنایی حق، عدالت و همبستگی اجتماعی از آیات قرآن استنباط شده و حاکی از این است که اختلال در هر کدام از این اصول، به معنای انحراف از مسیر درست و صراط مستقیم می‌باشد. بر مبنای دیدگاه امام سجاد(ع) که تکالیف انسانی را با ارجاع به نظام ارتباطاتی به ترتیب اهمیت به رابطه انسان با خدا، خود و دیگران بیان کرده است، در این تحقیق نیز بر همین مبنا، معیارهای وزن‌دهی در سطوح سه‌گانه زبانی، ارادی و اجتماعی، شاخص‌سازی شده و براساس شاخص‌های استنباط شده از این معیارهای قرآنی، انحرافات اجتماعی به ترتیب وزن در سطوح پنج‌گانه انحرافات اعتقادی، هویتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی رتبه‌بندی شده‌اند. نکته قابل توجه اینکه، هرچند رابطه انسان با خود به لحاظ طبیعی مقدم بر روابطی با خدا و دیگران است، اما در انگاره اسلامی، خودشناسی امری جدا از خداشناسی نیست و انسان از طریق خداشناسی است که خود را می‌شناسد. از این جهت، آسیب‌های اعتقادی نقش زیرساختی در تنظیم روابط انسان در دیگر عرصه‌ها دارد؛ لذا، این دسته از انحرافات دارای سنگین‌ترین وزن هستند. آسیب‌های هویتی دومین طبقه محسوب می‌شوند. سومین طبقه ناظر به رابطه انسان با دیگران است که به ترتیب وزن شامل انحرافات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌شوند. کلیه این طبقات، اولاً روابط متقابل و درهم تنیده دارند؛ ثانیاً، ممکن است برخی از انحرافات در طبقات بعدی دارای وزن سنگین‌تری نسبت به برخی از انحرافات در طبقات قبلی باشد؛ اما آنچه در این تحقیق بیشتر دنبال می‌شد، تعیین رتبه هر طبقه از طبقات انحرافات اجتماعی در دستگاه معناشناختی قرآن، آن‌هم بر مبنای وزن انحرافات بنیادین هر طبقه بود. دلالت‌های علمی و عملی این پژوهش چیزی نیست جز اینکه هر طبقه چه رتبه‌ای در این صورت‌بندی دارد و متولیان امور برای تصحیح و ترمیم آنها و تعالی جامعه، باید چگونه عمل کنند.



منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آقاجانی، نصرالله (۱۳۹۷). منطق طبقه بندی آسیب های اجتماعی در قرآن و روایات. *مطالعات اسلامی آسیب های اجتماعی*، ۱(۳)، ص ۱۲۱-۱۴۴.

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*. قم: دار سید الشهداء للنشر، ج ۴.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). *علل الشرائع*. قم: کتابفروشی داوری، ج ۲.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۱.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). *التحریر و التتویر*. بی نا، ج ۱۹.

اوسی، علی رمضان (۱۳۸۱). *روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱). *خدا و انسان در قرآن*. ترجمه فریدون بدره ای. تهران: فرزانه.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸). *مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید*. ترجمه فریدون بدره ای. تهران: فرزانه.

پارسانیا، حمید (۱۳۸۵). *علم و فلسفه*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)*. تهران: دنیای دانش.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). *انتظار بشر از دین*. قم: اسراء، چاپ هشتم.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *اسلام و محیط زیست*. محقق عباس رحیمیان. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹الف). *تفسیر انسان به انسان*. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ب). *جامعه در قرآن*. محقق مصطفی خلیلی. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ج). *سیره پیامبران در قرآن*. قم: اسراء، ج ۷.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). *تسنیم*. قم: اسراء، ج ۱۲، ۳.

حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۱۶-۱۵، ۲۱.

حسینی جبلی، سید میر صالح (۱۴۰۳). *انحرافات اجتماعی از دیدگاه اسلام*. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

خامنه ای، سید علی (۱۳۷۸/۰۹/۰۱). *بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف*. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2981>

خامنه ای، سید علی (۱۳۹۶). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. گردآوری و تنظیم صهبا. قم: مؤسسه ایمان جهادی.



- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق: دارالشامیه.
- رجبی، محمود (۱۳۸۸). تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح. *قرآن شناخت*، ۲(۲)، ص ۱۱۱-۱۴۶.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۵). *آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران: آوای نور.
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۸۸). روش پلکانی مفهوم‌شناسی واژگان قرآن. *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ۴۲(۱)، ص ۷۷-۹۴.
- شریعتی، غلام‌محمد (۱۳۹۳). رابطه معناشناسی زبانی و تفسیر قرآن به قرآن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی. *قرآن شناخت*، ۷(۱۴)، ص ۵-۲۴.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: مرن‌دیز.
- صدر، سید موسی (۱۳۸۳). قرآن و پدیده انحراف در جامعه. *پژوهش‌های قرآنی*، ۱۰(۳۷)، ص ۱۴-۳۷.
- صدر، محمدباقر (۱۴۲۴ق). *المدرسه القرآنیة*. مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- صفائی، رضا (۱۳۹۲). *آسیب‌شناسی سیاسی جامعه دینی در نهج البلاغه*. قم: زمزم هدایت.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۲-۱۱، ۷، ۳-۴، ۱۵، ۹.
- غفاری چراتی، صالح؛ اکبری، مسعود (۱۳۹۹). تبیین مفهوم انحرافات اجتماعی و جایگاه آن در میان مقولات جرم‌شناختی. *قضاوت*، ۲۹(۱۰۳)، ص ۸۱-۹۸.
- غلامی، رضا (۱۳۹۷). *اسلام و آسیب‌های اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشگاه شاهد.
- فارابی، محمد (۱۳۷۹). *اندیشه‌های اهل مدینه فاضله*. ترجمه و تحشیه سید جعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۴-۵.
- کونن، بروس (۱۳۸۱). *درآمدی به جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر توتیا.
- کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). *کنز الفوائد*. قم: دارالذخائر، ج ۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۲-۳، ۶-۵.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۷۵، ۹۷، ۶۸، ۷۲، ۱۰۰، ۵۹.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*. تهران: طهوری.
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز کتاب لترجمة والنشر، ج ۲، ۸.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا، ج ۱-۲، ۱۳، ۲۵، ۲۰.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *احیای تفکر اسلامی*. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۲-۳، ۷.
- میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۹). *نظام اقتصادی اسلام (مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق)*. تهران:



پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۷۹). تفسیر آسان. تهران: کتابفروشی اسلامیة، ج ۶.

نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت(ع)، ج ۹، ۱۵.

یعقوبی دوست، محمود (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران. تهران: جامعه‌شناسان.